

چگونه توانستم ناتوانی آموزشی «خواندن و نوشتن» دانش آموز پایه ی سوم را با استفاده از لوحه آموزشی قرآن کاهش دهم.

سیده زهرا ابطحی^۱

^۱ کارشناس ارشد آموزش ابتدایی، آموزگار آموزش و پرورش شهرستان بوانات استان فارس

چکیده

دانش آموزان در دوران تحصیلی خود با مسائل زیادی روبرو می شوند. این مسائل می تواند روی پیشرفت تحصیلی آنها تاثیر بگذارد. یکی از این مسائل که بر روی سطح پیشرفت دانش آموزان تاثیر دارد، مهارت خواندن و نوشتن است. خواندن در برگزیده مجموعه ای از مهارت هاست که پایه موفقیت در همه زمینه های تحصیلی می شود. هدف نهایی از کسب توانایی خواندن، رسیدن به مرحله ای است که فرد بتواند نوشته ای را بخواند، آن را نقد و بررسی کند و به نیازی از نیازهای خود پاسخ گوید. در این پژوهش با عنوان «چگونه توانستم ناتوانی آموزشی «خواندن و نوشتن» دانش آموز پایه ی سوم را با استفاده از لوحه آموزشی قرآن کاهش دهم» سعی شد تا مسائلی که در رابطه با مهارت خواندن و نوشتن و عوامل ایجاد کننده ی آن شناسایی و در جهت رفع آن ها اقدام گردد. نتایج اقدام پژوهی نشان دهنده ی این است که عوامل متعددی در اختلال خواندن و نوشتن موثر است. یکی از عوامل مهم وجود آگاهی واج شناختی، توانایی شناسایی درست واج ها و کلمه ها و استفاده مناسب از مهارت های گفتاری توسط دانش آموز و وجود آموزش های مناسب است. برای افزایش این مهارت در زمینه ی ترکیب صداها و حروف و شناسایی درست کلمه از لوحه آموزشی قرآن استفاده گشت. نتایج نشان داد که استفاده از این وسیله ی آموزشی باعث رفع کاستی های آموزش های ناکافی سال های گذشته و ایجاد تجربه های یادگیری موفقیت آمیز و مرور و گسترش مهارت های لازم برای خواندن و نوشتن شد.

واژه های کلیدی: ناتوانی آموزشی، مهارت خواندن و نوشتن، اقدام پژوهی

مقدمه

دوره ی ابتدایی دوره ای سرنوشت ساز در زندگی انسان است؛ دستگاه تعلیم و تربیت ما باید به طرف مهارت هایی برود که در حال و آینده ی زندگی کودکان ما تأثیر گذار باشند. از این رو، تقویت مهارت های چهارگانه ی زبانی که شامل نوشتن، خواندن، صحبت کردن و گوش کردن است بسیار مهم و اساسی می باشد. خواندن و نوشتن جز اهداف اصلی دوره ابتدایی است که اساسی ترین وسیله یادگیری، تفکر و حل مسأله نیز هست. به نظر گلیفورد خواندن و نوشتن از پییده ترین فعالیت های شناختی است که از یک سو با ابزار تفکر و از سوی دیگر با توانایی های هوشی رابطه دارند. در تعریف رسمی، املا به معنی جانشین ساختن صحیح صورت نوشتاری حروف واژه ها به جای صورت واجی آن هاست. املا باید نماد ها را به گونه ای به کار گرفت که معنا و منظور به مقصد برسد و مقصود نویسنده بیان شود. از این رو، املا در مدارس از دیر باز تدریس می شده است. در میان مهارت های پایه نوشتن ملموس ترین مهارت نام گرفته است. شکل نوشتاری زبان، عالی ترین و پیچیده شکل ارتباطی و آخرین مرحله ای است که آموخته می شود.

نوشتن دوکارکرد اصلی دارد: ثبت اطلاعات و نشر اطلاعات؛ کارکرد عمده ی سخن گفتن، نشر اطلاعات و برقراری ارتباط با دیگران است. و مبتنی بر پردازش زبانی است که در در مسیر رشد تحول می یابد.

کامی و هینتون (۲۰۰۰) با تحقیق در در مورد رشد املا متوجه شدند که کودکانی که در املا ضعیف هستند و راهبردهای دیداری تکیه می کنند و تلاش می کنند که شکل نوشتاری واژه را به یاد آورند اما کودکان که در املا قوی هستند بیشتر و صداها و دانش واج شناختی تکیه می کنند (کریمی و علیزاده ۱۳۹۱).

نارسا نویسی نخستین بار توسط اوگل (۱۸۶۷) مطرح شد که یکی از انواع اختلال های یادگیری ویژه است که نشانه اصلی آن، ناتوانی در به کارگیری ابزار نوشتن، ارائه افکار و نظرات، بدخطی و ناخوانا بودن نوشته است. نارسا نویسی به سه شاخه اصلی تقسیم بندی می شود:

نارسائی مربوط به دست_خط، نارسائی در بیان نوشتاری و نارسائی در نوشتن املا.

شایع ترین اختلال بیان ضعف در املا است. نور محمدی (۱۳۷۵) خطاهای املا را به صورت زیر دسته بندی کرده است: حذف پاره ای از هجا ها یا حروف، تقطیع واژه ها، چسباندن واژه ها یا حروف به یکدیگر که ناشی از بی توجهی به معنای جمله یا ارزش معنای کلمات است، نوشتن شکل گفتاری واژه ها، نوشتن واژه ها. متداول ترین خطاها در املا استفاده از حروف هم صدا و غیر هم شکل در واژه ها، حروف استثنا و هم صدا ها می باشد. (همان منبع).

اختلال در املا به صورت های مختلف می تواند فرد را با مشکل مواجه سازد. شکست های مکرر در املا، عزت نفس دانش آموز را تضعیف می کند و در دراز مدت باعث افت تحصیلی و یا ترک تحصیل خواهد شد همچنین در پایه های بالاتر وجود خطاهای املائی باعث اثر نامطلوب قضاوت خوانندگان درباره نویسنده متن خواهد شد و نگرش و ادراک خواننده را تحت تأثیر قرار خواهد داد و نگرش منفی نسبت به نویسنده به وجود می آید.

کورات (۲۰۰۴) معتقدند نگرش ها و ادراک های معلمان نسبت به دانش آموزان تا حد زیادی متأثر از توانایی دانش آموزان در نوشتن و املا است (همان منبع).

سبب شناسی اختلال املا

۱- عوامل ژنتیکی

مارلو و همکاران (۲۰۰۱) به همبستگی قوی بین توانایی خواندن و املا با عوامل وراثتی اشاره کرده است. تقریباً ۲۰ تا ۴۰ درصد کودکانی که اختلال های زبانی و گفتاری دارند در خانواده آنها چنین مشکلاتی مشاهده می شود.

۲- فعالیت مغز و اعصاب شواهد علمی نشان می دهند که در هنگام انجام اعمال زبان بیانی و نوشتاری بین فعالیت نوروئی افراد سالم و کسانی که اختلال یادگیری ویژه دارند، تفاوت وجود دارد. کریستینا (۲۰۰۱) معتقد است که نارسا خوانی و نارسا نویسی به عنوان اختلال زبانی از نابهنجاری های رشد مغزی ناشی می شوند.

۳- دشواری های مربوط به خط فارسی

در زبان فارسی دشواری هایی وجود دارد مثلاً برای بعضی از صداها بیش از یک علامت وجود دارد، بعضی حروف نماینده بیش از یک صدا هستند مانند «و» در دو یا وام. در خط فارسی حروف دو دسته منفصل و متصل هستند، یک حرف به چند صورت با توجه به جایگاه آن در کلمه نوشته می شود و

۴- عوامل فرهنگی و خانوادگی

هر برنامه آموزشی باید بر اساس شرایط فرهنگی صورت بگیرد همچنین معلم آسیب شناس زبان و گفتار و متخصص اختلال های یادگیری، سبک تعاملی، الگوهای گفتگو و نوع نگرش درباره معلم در خانواده دانش آموزان را مد نظر داشته باشند. زندی (۱۳۷۳) بر عوامل برون برنامه ای و برنامه ای چون عوامل زیست شناختی، انگیزشی، روش آموزش، محتوای درسی و عوامل زبان شناختی تاکید دارد.

۵- عوامل مربوط به ضعف در خواندن

مشکل نوشتن اغلب در کودکان با مشکل خواندن وجود دارد. ضعیف بودن در در باز نماز های واجب شناختی در حافظه، موجب دشواری تلفظ به هنجار واژه می شود که به نوبه خود باعث ضعف دانش رابطه حرف- صدا شده و سرانجام به نوشتن با املا غلط منجر می شود.

۶- عوامل آموزشی و تربیتی

اگر کودک تازه وارد به مدرسه در یافتن واج های متوالی در واژه مشکل داشته باشد قادر به کشف اصول الفبایی نبوده و نمی تواند روابط صدا و املا را کشف کنند که بدون آموزش و مداخله ویژه رشد مهارت بازشناسی واژه این فرد آسیب خواهد دید. بعضی از متخصصان آموزش ویژه از جمله عوامل بیرونی موثر بر مشکلات یادگیری کودک را « ناتوانی ها ی آموزشی » و « ناتوانی های تدریس » می دانند چرا که گاهی شرایط آموزشی نامطلوب یا روش های تدریس نادرست ؛ بی نظمی فکری معلم؛ کم حوصلگی و ... معلم در ایجاد انگیزه لازم برای جلب توجه دانش آموز از عوامل بسیار جدی در بروز مشکلات یادگیری است. واقعیت آن است که بسیاری از دانش آموزانی که برچسب اختلال یادگیری می خورند اصولاً اختلال عصب شناختی ندارند و به دلیل تعاملات نامناسب با والدین و معلمان، کارآمدی یادگیری خود را از دست می دهند (همان منبع).

آگاهی واج شناختی یا واجی دانستن و وقوف و ساختمان آوایی، واجی و هجایی واژگان است. یعنی دانستن این که یک واژه از چند هجا درست شده و یا اولین آوای آن چیست. رشد مهارت های آگاهی واج شناختی کودکان آگاهانه از طریق شنیدن صدای واژه ها صورت می گیرد. این مهارتها پایه ضروری و اساسی برای کسب مهارت های املا و خواندن است بطور خلاصه آگاهی واج شناختی؛ توانایی فرد برای توجه، تفکر و دست کاری نمودن صدا های واژگان است. حداقل سه نوع آگاهی واج شناختی وجود دارد به عبارت دیگر سه شکل تقطیع واژه به صداهای سازنده اش عبارتند از هجا، واج و واحدهای درون هجایی

۱- هجا: کوچکترین بخش گفتار که می تواند به تنهایی بیاید و معمولاً با بخش هایی که در ارتباط با یک قطعه موسیقی هستند، مقایسه می شود. در زبان فارسی عبارت است از یک رشته آوایی پیوسته که اجزا سازنده هجا طی فرایند تولیدی بدون مکث تولید می شوند.

۲

- واج: کوچکترین واحد آوایی که می تواند تمایز معنی ایجاد کند. حروف الفبا به وسیله واج ها بازنمایی می شوند.

۳- واحدهای درون هجایی: واژه ها می توانند به واحدهای بزرگتر از واج یعنی واحد هایی شامل دو یا چند واج اما کوچکتر از هجا تقطیع شوند (همان منبع).

مهارت های آگاهی واج شناختی مهارت های املا نیستند همچنین آنها دانش مربوط به حروف نیستند اما پایه لازم برای کسب مهارت های املا و خواندن می باشند در یک نظام الفبایی نمادهای نوشتاری با صدا ها یا واژه های منفرد ترکیب می شوند و کلمات را می سازند یادگیری خواندن و نوشتن نظام الفبایی مستلزم درک درست چگونگی نوشتن نظام واژگان است بنابراین، شخصی که دانش لازم در مورد اثرات منفرد در واژه ها را داراست آگاهی واژه دارد. این آگاهی پیش بینی کننده قوی برای رشد خواندن و نوشتن می باشد.

هاپر، واکلی، دیکراف و سوارتز (۲۰۰۶) و برنینگر (۲۰۰۴) بهترین پیش بینی کننده برای یادگیری املا را آگاهی واج شناختی می دانند همچنین، لی یونگ (۱۹۹۸) در بررسی ۱۵۰ دانش آموز به این نتیجه رسید که واژه شناسی و درست نویسی در نوشتن صحیح املاي واژه ها نقش مساوی دارند و معلمان برای آموزش دانش آموزان در املا به هر دو باید توجه نمایند (کریمی و علی زاده، ۱۳۹۱)

توصیف وضعیت موجود

اینجانب آموزگار پایه ششم و سوم در یک دبستان چند پایه در شهرستان بوانات می باشم و سومین سال خدمتم را در مدارس دولتی سپری می کنم. دبستانی که در آن مشغول به تدریس می باشم یک واحد آموزشی دولتی یک طبقه در یک دهستان است که دارای ۳ کلاس می باشد و هر سه کلاس دو پایه هستند. کلاس من یکی از کلاس های دوپایه است که در آن ۱۸ دانش آموز مشغول به تحصیل هستند. ۴ دانش آموز پایه ی سوم و ۱۴ دانش آموز پایه ی ششم.

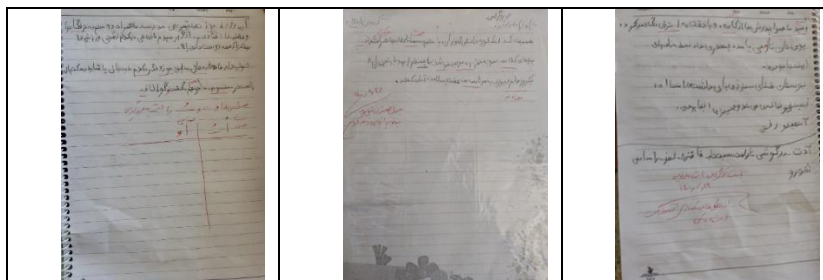
در ابتدای سال تحصیلی و به علت شیوع بیماری کرونا، تمام آموزش های مدارس شهری استان، مجازی شد اما در منطقه ی ما بعثت کم جمعیت بودن دبستان، آموزش ها از ابتدا حضوری بود و همین امر باعث شد که چند تن از دانش آموزان از منطقه ی شهری به مدرسه ی روستایی ما آمدند. در این بین متوجه شدم که یکی از همین دانش آموزان انتقالی که در پایه ی سوم حضور دارد، در خواندن جملات و متن ها متفاوت با مشکل مواجه است و نمی تواند کلمه ها را درست بخواند و به صورت بخش بخش و نامفهوم کلمه را ادا می کند؛ به گونه ای که کلمه معنا و مفهوم اصلی خود را از دست داده و بخش هایی نامفهوم ادا می شد، اما اکثر نشانه ها را می شناخت اما قادر به ترکیب آنها و خواندن کلمه به صورت صحیح نبود. علاوه بر این برخی از حروف و نشانه های خاص را به خوبی نیاموخته بود و در مفاهیمی مانند نوشتن «آ» استثنا و «واو» ناخوانا و ... با مشکل مواجه است همچنین هنگام نوشتن املا؛ قادر به نوشتن کلمه ها جدا از یکدیگر نبود و اکثر کلمه ها را به صورت زنجیره وار، پشت سر هم و متصل به یکدیگر می نوشت و قادر به نوشتن شکل درست کلمه ها نبود، هنگام خواندن از روی کتاب و یا نوشتن نیز حالت اضطراب و استرس فراوان از خود نشان می داد و عدم اعتماد به نفس در وی به خوبی مشهود بود و دائم نگران واکنش های هم کلاسی هایش نسبت به عملکرد خودش بود. رابطه ی خوبی با هم کلاسی هایش برقرار نمی کرد و در کلاس در حالت انزوا و گوشه گیری از دیگران قرار داشت.

همین امر، مرا به فکر فرو برد که چه عواملی چنین شرایطی را به وجود آورده است و چگونه می توان به این دانش آموز کمک نمود. در این جهت، از این رو تصمیم گرفتم موضوع مشکل خواندن و نوشتن دانش آموز پایه ی سوم را جهت اقدام پژوهی انتخاب کنم و در جهت رفع این مسأله در عرصه علم تعلیم و تربیت و روان شناسی پرورشی به دنبال نظریات و راه کارهای متفاوت علمی گشتم تا شاید راه کاری را برای مشکل کلاس خود بیابم.

گردآوری اطلاعات و شواهد ۱

مشاهده رفتار دانش آموز

برای ثبت شواهد کافی در رابطه با مساله ی موجود ، نحوه ی عملکرد دانش آموز در آزمون ها و آزمونک های کتبی و شفاهی کلاس مورد بررسی دقیق قرار دادم و متوجه شدم که دانش آموز هنگام خواندن متن های متفاوت دچار استرس شده و در کل تمایلی به خواندن و نوشتن و املا ندارد در حالی که در درس ریاضی مشکلی ندارد و به جز در زمینه ی حل مسائل کلامی و یا خواندن دستورالعمل و یا متن سوالات که نیازمند خواندن و درک مطلب مساله می باشد در سایر حوزه های ریاضی با مشکل مواجه نیست و به راحتی تکالیف خواسته شده را انجام می دهد و درک خوبی در حوزه ی ریاضیات دارد ، همچنین عملکردش در سایر دروس به استثنای مواردی که خواندن و نوشتن نیاز دارد، در سطح خوبی است . دانش آموز مذکور، هنگام نوشتن و یا در زمان املا به شدت مضطرب و نگران بود و به راحتی روی صندلی خود قرار نمی گرفت و سرش را تا حد امکان نزدیک صفحه ی کاغذ برده و با دست دیگرش روی نوشته های خود را می گرفت تا مانع دیده شدن نوشته هایش توسط دیگران شود ، سرعت نوشتن وی بسیار پایین بود و لازم می شد تا املا ، کلمه به کلمه گفته شود و هر واژه، چندین بار تکرار گردد تا در نهایت کلمه ای نادرست بر روی کاغذ نقش بندد. همچنین در هنگام نوشتن نشانه های هم صدا با شکل های متفاوت نیز با مشکل مواجه بود و به درستی شکل صحیح نشانه را در کلمات مختلف تشخیص نمی داد . در آزمون های مداد - کاغذی دروس دیگر نیز اگر سوال برایش خوانده می شد می توانست پاسخ دهد در غیر این صورت دائم منتظر کمک از جانب دیگران بود تا متن سوال و دستورالعمل را برای او بخوانند تا بتواند پاسخگو باشد . در نهایت با بررسی ۵ املا ی ابتدای شروع طرح و شمارش تعداد اشتباهات دانش آموز مشخص شد که به طور میانگین $46/8\%$ از کلمات در املاها به صورت صحیح نوشته می شود .



مصاحبه با مادر دانش آموز

در ابتدای ورود این دانش آموز به کلاس و ابتدای سال تحصیلی ، مادر این دانش آموز بیان کرد که عملکرد فرزندش در درس فارسی و خواندن بسیار ضعیف است و در دروس دیگر مشکلی ندارد . با این پیش فرض و پیش آگاهی دانش آموز وارد کلاس شد . بعد از گذشت چندین هفته و مشاهده عملکرد او در دروس مختلف و به ویژه بررسی اشکالات املایی او ، مادر به مدرسه فراخوانده شد و در مورد وضعیت قبلی فرزندش در سال های گذشته با او صحبت شد و ایشان اعلام کردند که معلم سال گذشته در مورد احتمال وجود اختلال خواندن و نوشتن در فرزندش با آن ها صحبت کرده است و ایشان در این زمینه درمانده شده و نگران آینده تحصیلی فرزندش می باشد و نمی داند دقیقاً باید چگونه کمک نماید، همچنین فرزندش علاقه ای به انجام تکالیف ندارد و تکالیف را در انتهای شب و با بی حوصلگی و بحث انجام می دهد .

نظرسنجی از همکاران

در این رابطه با مدیرآموزگار دبستان مشورت نمودم. ایشان نیز با توجه به نتایج مشاهدات صورت گرفته و صحبت های مادر با نظر من که مشکل اصلی در آموزش ناکافی درس فارسی به ویژه ترکیب صداها و نشانه هاست که منجر به بروز این مساله شده است هم عقیده بودند.

تجزیه و تحلیل داده ها

پس از بررسی اطلاعات به دست آمده، عوامل تاثیرگذار بر پیشرفت مهارت خواندن و نوشتن مشخص شد که باید سعی شود در جریان اقدام پژوهی به آنها توجه شده و اگر عاملی نیاز به اصلاح دارد، برطرف گردد. این عوامل عبارتند از:

مسائل مربوط به دانش آموز: ژنتیک و فعالیت مغز و اعصاب

مسائل مربوط به خانواده: مشارکت والدین در آموزش، دیدگاه والدین در مورد معلم و آموزش های وی و سبک تعاملی والدین
مسائل مربوط به زبان فارسی: برای بعضی از صداها بیش از یک علامت وجود دارد؛ بعضی حروف نماینده بیش از یک صدا هستند مانند «و» در دو یا وام، در خط فارسی حروف دو دسته منفصل و متصل هستند، یک حرف به چند صورت با توجه به جایگاه آن در کلمه نوشته می شود و

مسائل مربوط به مهارت خواندن: عدم دانش کافی واج شناختی و قواعد واجی

مسائل آموزشی و تربیتی: روش نامناسب تدریس؛ عدم ایجاد انگیزه و جلب توجه دانش آموز، شرایط آموزشی نامناسب و

ارائه ی راه حل

پس از آنکه رفتار دانش آموز و شرایط وی مورد بررسی قرار گرفت و معلوم شد که او بیشتر نشانه ها را می شناسد اما در ترکیب آنها و خواندن کلمه ایراد دارد همچنین از طرفی دیگر، عوامل ایجاد کننده وضعیت موجود مشخص شد، عواملی را که می شد مورد تحقیق و بررسی قرار داد و کار بر روی آن ها ممکن بود، مشخص شد. سپس با استفاده از منابع متفاوت و مشورت با همکاران، راه حل هایی ارائه شد که در ادامه به بررسی اجمالی آنها می پردازیم.

□ ایجاد نگرش مثبت در دانش آموزان نسبت به توانایی های خود (کریمی و علی زاده، ۱۳۹۱)

□ افزایش دانش واج شناختی (همان منبع)

□ استفاده از روش های مختلف نوشتن املا در جهت افزایش میزان توجه، انگیزه و پیشرفت (فتح آبادی، ۱۳۹۹)

□ جلب همکاری مادر جهت آشنا شدن با برنامه ی اصلاحی و تداوم آن در منزل

□ بررسی مشکلات املایی دانش آموز و رفع آن ها (علوی مقدم و علیزاده، ۱۳۸۹).

□ استفاده از آموزش های برنامه ی شاد ویژه فارسی پایه ی اول در منزل جهت افزایش دانش واج شناختی .

راه حل پیشنهادی

با مرور شواهد و نتایج حاصل از آن این نتیجه حاصل شد که مشکل دانش آموز اختلال یادگیری نیست بلکه بیشتر ناتوانی آموزشی می باشد که با خلق شرایط جدید می توان به بهبود اوضاع دانش آموز کمک نمود.

با در نظر گرفتن امکانات آموزشی کلاس و میزان زمانی که یک کلاس دوپایه ۱۸ نفره ایجاد می کرد، باید به دنبال راه حلی ساده و کاربردی و قابل اجرا بود تا هم دانش واج شناختی دانش آموز افزایش یابد و هم زمان زیادی به آموزش جبرانی اختصاص پیدا نکند و هم دانش آموز در بین هم کلاسی ها اعتماد به نفس خود را بازیابد و به توانایی های خود بیشتر واقف شود، به همین علت از بین فهرست راه حل ها، با توجه به امکانات و فضای کلاس روش های زیر در نظر گرفته شد .

اجرای طرح

✓ آشنایی با قواعد واج شناختی و ساخت واژه

با توجه به اینکه دانش آموز حروف و واج ها را می شناخت اما در خواندن کلمه ها و واژه ها با مشکل مواجه بود و نمی توانست یک کلمه را صحیح بخواند بعد از بررسی مقالات و کتاب ها به این نتیجه رسیدم که باید ترکیب صامت ها و مصوت ها را از نو به ایشان آموزش داد، در ابتدا تصمیم گرفته شد که با جدول ترکیب صامت و مصوت پایه ی اول اینکار انجام شود اما بعد با توجه به لوحه های آموزشی درس قرآن پایه ی سوم که هجاها را یادآوری می کرد، این آموزش انجام شد و از این طریق یادآوری ترکیب ها انجام شد و با استفاده از اشاره های ثابت و متحرک چشم دانش آموز با این حرکات همراه شده و همراه با آن قادر به تولید هجاها و ترکیب آن ها با یکدیگر و خواندن واژه ها به صورت مستقل شد.



مهم‌ترین هدف آموزش قرآن در دوره ابتدایی، دستیابی به توانایی خواندن قرآن کریم است. دستیابی به این هدف بیش از هر چیز به بهره‌گیری صحیح از لوحه‌های آموزش قرآن به‌ویژه در پایه‌های اول تا سوم ابتدایی وابسته است. به نحوی که اگر به هر دلیل این کار درست انجام نشود، کسب مهارت روخوانی قرآن به خصوص برای دانش‌آموزان متوسط به پایین تضمین کافی نخواهد داشت. اهمیت و ضرورت استفاده از لوحه توجه و دقت موجب افزایش و عمق یادگیری می‌شود. آموزش روخوانی قرآن با استفاده از لوحه و با اشاره به بخش‌های کلمات و عبارات، امکان توجه و دقت بیش‌تر به حرکات و ترکیب‌ها را فراهم آورده و موجب کسب مهارت در صحیح خواندن آن‌ها می‌شود.

از طرفی آموزش روخوانی قرآن، بر سیر سواد آموزی فارسی مبتنی است و دانش‌آموزان بر اساس آنچه در فارسی آموخته‌اند، به یادگیری قرآن می‌پردازند (کتاب معلم قرآن پایه سوم، ۱۳۸۹).

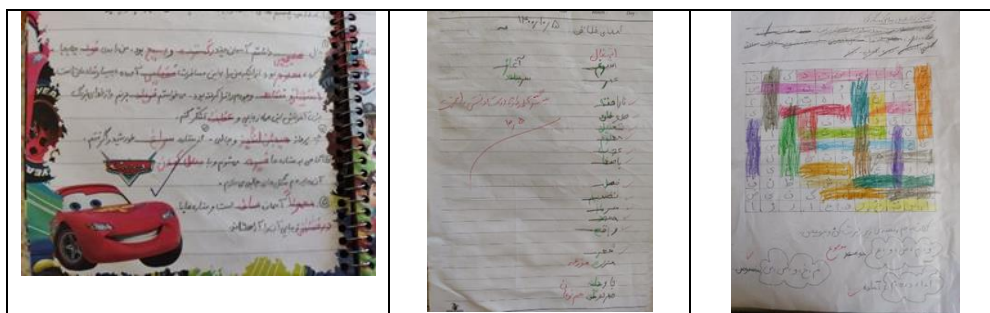
✓ استفاده از روش‌های متفاوت در نوشتن و املا

املا و اهمیت آن در برنامه‌ی زبان آموزی مهم است. در واقع «نوشتن» چهارمین مهارت زبانی است که کودکان در آموزش‌های مدرسه‌ای فرا می‌گیرند. این مهارت پیچیده‌ترین مهارت زبانی است که در سه قالب پدیدار می‌شود. رونویسی، املا، جمله‌نویسی و نگارش.

به همین منظور، با استفاده از بازی‌های املا می‌توان این مهارت را بهتر پرورش داد. در جدول اهداف برنامه‌ی درسی حوزه‌ی تربیت و یادگیری فارسی پایه‌ی سوم ابتدایی، چهار هدف از اهداف یادشده در مهارت نوشتن، با مهارت املا نویسی مرتبط است. نوشتن درست نشانه‌ها؛ توسعه‌ی توانایی تبدیل نشانه‌های آوایی و نوشتاری، توانایی خوانا و زیبانویسی و به‌کارگیری نشانه‌های نگارشی برای تحقق اهداف یادشده، در کتاب‌های فارسی و نگارش کودکان ابتدایی فعالیت‌های متنوعی پیش‌بینی شده‌اند و املا آموزی از شیوه‌ی سنتی آن، که غالباً تهیه و خواندن یک متن و دیکته کردن آن به دانش‌آموزان بوده است، خارج و شگردهای آموزش با بهره‌مندی از رسانه‌های آموزشی و شیوه‌های مشارکتی متنوع شده‌اند. همچنین، املا دیگر یک درس مستقل نیست و در پیوند با سایر مهارت‌های زبانی آموزش داده می‌شود.

با استناد به همین موضوع من هم در کلاس از این شیوه استفاده نمودم و سعی کردم با استفاده از این روش، میزان انگیزه و توجه دانش‌آموزان را افزایش دهم. در ادامه نام چند شیوه‌ی استفاده شده در کلاس و منزل بیان می‌شود:

- املاي جاخالی کلمات
- املاي جاخالی حروف
- املاي طبقه بندی
- املاي زنجیره ای و ... (علوی مقدم و علیزاده، ۱۳۸۹).



گردآوری اطلاعات و شواهد ۲

مشاهده رفتار دانش آموزان از اجرای طرح، نحوه ی عملکرد دانش آموز مذکور را در کلاس و در آزمون ها و املا ها مداد- کاغذی مورد بررسی قرار دادم. عملکرد دانش آموزان در این آزمون بهتر از آزمون های گذشته بود و به نسبت قبل با استقلال بیشتری می توانست سوالات را بخواند و پاسخ دهد. همچنین با اعتماد به نفس بیشتری متن ها را به صورت روان تر می خواند همچنین صدای خواندن وی بلندتر بود و در نوشتن املا نیز پیشرفت کرده و هم میزان اشتباهات وی کاهش یافته است و دیگر کلمه ها را به هم وصل نمی کرد و هر کلمه را جدا از کلمه ی دیگر می نوشت همچنین سرعت نوشتن او افزایش یافته و همراه با دانش آموزان دیگر ، املا ی خود را می نویسد ، دیگر سرش را نزدیک کتاب نمی برد و کلمه ها را به صورت صحیح و واژه به واژه می خواند. اگر در ابتدای سال تحصیلی می بایست املا ی او کلمه به کلمه گفته می شد و در میزان کم ، با اجرای طرح ، راحت ، همراه با سایر هم کلاسی ها و با سرعت آنها و با همان تعداد سطر ها املا ی خود را می نویسد که این نشان از پیشرفت او در مهارت خواندن و نوشتن دارد . با بررسی ۵ املا ی انتهای طرح پژوهشی میانگین کلمات صحیح نوشته شده $71/3\%$ رسیده بود.

نظرسنجی از مادر دانش آموز

- در ضمن اجرای طرح و در پایان اجرا، نظر مادر دانش آموز را در مورد پیشرفت تحصیلی فرزندش جویا شدم . ایشان نیز اذعان کردند که مهارت خواندن و نوشتن او بهتر شده است و می تواند به طور مستقل بخواند و در املا نیز پیشرفت نموده است.

اعتباریابی و قضاوت

جهت قضاوت بهتر در مورد داده های جمع آوری شده در پژوهش، علاوه بر مقایسه ی رفتارهای دانش آموز ، میانگین تعداد کلمات صحیح نوشته شده در شواهد ۱ و ۲ مورد مقایسه قرار گرفت و مشخص شد که استفاده از روش های انتخابی $24/5\%$ باعث افزایش صحیح نویسی در املا شده است از طرفی دانش آموز به صورت صحیح و روان از روی متن کتاب فارسی پایه ی سوم می خواند که همین گواه بر پیشرفت مهارت خواندن و نوشتن وی بود .

بحث و نتیجه گیری

هدف کلی این پژوهش بررسی عوامل موثر بر مهارت خواندن و نوشتن دانش آموزان ابتدایی بود. طبق یافته های پژوهشی مطرح شده ؛ پیشرفت در این مهارت ها به عوامل متفاوت بستگی دارد که در این پژوهش و با توجه به شرایط مشاهده شده اینگونه نتیجه گیری شد که دانش آموز دارای ناتوانی آموزشی است و نه اختلال خواندن و نوشتن و شرایط نامساعد آموزشی سال های قبل باعث ایجاد این مساله شده است .

برای بالا بردن سطح پیشرفت دانش آموزان به دنبال روش هایی برای ارتقاء این دو مهارت اساسی گشته شد که در این مسیر با استفاده از لوحه ی آموزشی قرآن پایه ی سوم ، روش های متفاوت انجام املا و کم کردن حجم املا برای دانش آموز مذکور و

استفاده از فایل صوتی متن های کتاب فارسی، سعی در ایجاد موقعیت های موفقیت آمیز تدریجی شد که نهایتاً میزان اعتماد به نفس و در نتیجه میزان پیشرفت تحصیلی افزایش یافت.

با توجه به یافته ها، لازم است که آموزگاران و دست اندرکاران تعلیم و تربیت به نقش خود و میزان تاثیری که بر روی یادگیری دانش آموزان می گذارند، واقف شده و بدانند که برخی اوقات این شرایط نامناسب آموزشی است که می تواند باعث ایجاد شرایطی مانند اختلال یادگیری خواندن و نوشتن شود. پس لازم است که قبل از تدریس مباحث آموزشی تمام شرایط روانی، عاطفی و شناختی کلاس را در نظر گرفته و با جلب توجه کامل دانش آموزان به آموزش موارد خواسته شده بپردازند. با توجه به این مهم و عوامل درونی یادگیرنده می تواند بر بازده های آموزشی مدارس تأثیر مثبت داشته باشد و یادگیرندگان را به فراگیران مادام العمر که به توانایی ها و استعداد های خود ایمان دارند، تبدیل نماید.

پیشنهادهات

- با تدارک جلسات آموزشی برای معلمان، عوامل موثر بر مهارت خواندن و نوشتن بیشتر از پیش روشن شود، تا بیشتر از گذشته نقش شرایط حاکم بر کلاس در ایجاد ناتوانایی های آموزشی مشخص گردد.
- کلاس هایی جهت آشنایی انواع اختلالات برای والدین تدارک دیده شود تا آن ها نیز با این مسائل آشنا شده و بتوانند در صورت مواجه شدن با آن همراه با مدرسه در حل آن گام بردارند.

منابع:

- انوشه پور؛ ابوالفضل و دیگران. کتاب معلم آموزش قرآن پایه ی سوم. اداره کل چاپ و توزیع کتاب های درسی. ۱۳۸۹، ص: ۶.
- فتح آبادی؛ جواد. (۱۳۹۹). املا بازی در خانه و مدرسه. رشد آموزش ابتدایی. ۱۳۹۹ و دوره ۲۴، ش: ۱.
- کریمی؛ بهروز، علیزاده؛ حمید. (۱۳۹۱). اختلال های یادگیری املا (ارزیابی و برنامه املا). تهران: انتشارات روان.
- علوی مقدم؛ سید بهنام، علیزاده؛ صغری (۱۳۸۹) آموزش املا. انتشارات ابو عطا. ص: ۳۴-۴۸.